

فصل هفدهم دشمن خودی

بود: «آمار تلفات غیرنظامیان افغان» آمار سازمان ملل حاکی از این بود که با ورود نیروهای امریکایی در سال ۲۰۰۹، تلفات به ۲۴۱۲ نفر رسید و در سال ۲۰۱۱ به ۳۱۳۳ نفر افزایش یافت. حتی اگر مسئولیت این تلفات را برگردن شورشیان هم بیندازیم، باز هم این آمارها، نشان از بی ثباتی عظیم و ناکارآمدی سیاست ضدشورش بود.

دولت امریکا در سال ۲۰۱۲، عملیات خروج نیروهایش از افغانستان را پیش می برد. اما یک اتفاق عجیب در سپتامبر آن سال، برنامه خروج را متوقف کرد. چند سرباز افغان، به روی متحدهان امریکایی خود اسلحه گشودند و ۴ نیروی امریکایی را به قتل رساندند. آمارها حاکی از این بود که در یک بازه دوماهه، در ۱۶ حمله درون سازمانی ۲۲ عضو ارتش امریکا و ناتو کشته شدند. حملات درون سازمانی، از ۲ مورد در سال ۲۰۰۸ به ۴۵ حمله در ۲۰۱۲ رسید که طی آن ۱۱۶ نیروی امریکایی و عضو ناتو کشته شدند. اما دلیل این اتفاق، فقط نفوذ طالبان نبود، دلایل شخصی یا اعتقادی هم دلیل انتقام بودند. اشتباهات امریکایی ها هم در وقوع این مسأله بی تأثیر نبود. در ژانویه ۲۰۱۲ ویدیویی در فضای مجازی پخش شد که در آن، یک تفنگدار نیروی دریایی امریکا روی اجساد طالبان ادرار می کرد. همچنین در ماه فوریه، کارکنان پایگاه هوایی بگرام، نسخه هایی از قرآن را در میان زباله ها آتش زدند که اعتراض شدید مردم را در پی داشت. یا در اتفاقی دیگر، یک گروه بان ارتش امریکا شبانه به روستایی در قندهار رفت و ۱۶ زن و کودک را قتل عام کرد. با شدت گرفتن حملات دروس سازمانی، وضعیت روانی سربازان امریکایی آشفته شد. در هنگام انجام وظیفه، همواره این احساس ترس در بین آنها وجود داشت که هر لحظه ممکن است اتفاقی بیوفتد. انتشار این اتفاقات، موجی از پوشش خبری منفی را درباره جنگ در امریکا، کانادا و اروپا آغاز کرد. پنتاگون از ترس اینکه افکار عمومی علیه جنگ برانگیخته شود، تاکتیک قدیمی را به کار گرفت: مخفی کردن مشکل! در حالی که حملات خودی تنها یکی از بی شمار مشکل نظام مندی بود که گریبان ارتش و پلیس افغانستان را گرفته بود. در ابتدا برنامه ریزی دولت بوش برای آموزش ۵۰ هزار نفر از نیروهای افغان بود. در بازنگری سال ۲۰۰۸، آنها به برآورد بلندمدتی برای تربیت ۱۳۴ هزار سرباز و ۸۲ هزار پلیس رسیدند. در دوره اوباما، نهایتاً به هدف گذاری آموزش ۳۵۲ هزار نیروی افغان رسیدند. این وضعیت در حالی بود که براساس بررسی های دولت امریکا، فرماندهان افغان اعداد و ارقام نیروها را افزایش می دادند تا بتوانند میلیون ها دلار دستمزد برای پرداخت به کارکنانی به جیب بزنند که وجود خارجی نداشتند. در پایان دور دوم اوباما، امریکایی ها فهمیدند دست کم ۳۰ هزار سرباز افغان وجود خارجی ندارند! واسم آنها را از لیست خط زدند. امریکایی ها اصرار کردند تا دولت افغانستان، علائم بیومتریک سربازان را جمع آوری کند، در حالی که هیچ گاه بطور کامل این اتفاق نیوفتاد.

مشکل دیگر این بود که آمارها نشان می داد با وجود تلاش های امریکا برای گسترش تحصیل کودکان و ثبت نام میلیونی کودکان افغان در مدارس، تنها ۲ تا ۵ درصد سربازان در حد کلاس سوم دبستان سواد داشتند و خواندن و نوشتن بلد بودند. خیلی از سربازان، اصلاً شمارش بلد نبودند و این وضعیت، آموزش را دشوار می کرد. همچنین میزان غیبت بدون مرخصی سربازان، از بین افرادی که قصد ترک خدمت نداشتند، بسیار زیاد بود. در کنار اینها، تا سال

در ژانویه ۲۰۱۲
ویدیویی در فضای
مجازی پخش
شد که در آن، یک
تفنگدار نیروی
دریایی امریکاروی
اجساد طالبان
ادرار می کرد